

سفر نامه

گذری در قدیمی ترین قهوه خانه اصفهان
طعم تاریخ در قهوه خانه
آزادگان



آرزو احمدزاده، راهنمای طبیعت گردی

شنیده بودم در اصفهان قهوه خانه های قدیمی در میدان نقش جهان وجود دارد که گردشگران زیادی راه سمت خود می کشاند. تصمیم گرفتم اولین باری که به اصفهان رفتم به سراغ قهوه خانه حاج میرزا یا همان قهوه خانه آزادگان بروم. وارد میدان نقش جهان شدم. نمی دانم چه سسری در این میدان نهفته است که هر بار به اینجایم آیم در بدو ورود چند دقیقه ای می ایستم و خوب دور تادور میدان را نگاه می کنم و سرمستی می شوم از این همه زیبایی، میدانی آرام، پر از تاریخ و در عین حال پر از جنب و جوش. بعد از تماشای میدان، به دنبال آدرس می شوم. اینجا تابلوی مدرسه علمیه ملاعبده الله به چشم می خورد. سمت راست این سه راهی و بعد هم اولین کوچه سمت چپ به کوچه چاه حاج میرزا می رسم. قهوه خانه حاج میرزا که به قهوه آزادگان معروف است در همین کوچه واقع شده است. اگر از میدان نقش جهان وارد نشوید راه دیگری هم برای رسیدن به قهوه خانه هست، از سمت خیابان حافظ نیز مسیر دیگری برای رسیدن به کوچه چاه حاج میرزا وجود دارد، یعنی ابتدای خیابان حافظ، سمت چپ، کوچه بازار افغانها، به نیمه این کوچه می رسم بعد باید به سمت راست برویم یعنی کوچه چاه حاج میرزا. به تابلو قهوه خانه رسیدیم. در ورودی این قهوه خانه تعداد زیادی خمره و چراغ و ساعت و گنجه های قدیمی قرار گرفته و بر سقفش شاخ های حیوانات خوندنمایی می کند.



بعد از در ورودی، یک دالان قرار دارد که گذر از آن با تماشای اشیای مختلفی که گرد زمان بر آنها نشسته همراه است. در انتهای دالان، شهر فرنگ قدیمی سفید و قرمزی را می بینم که با دیدنش به دنیای بچه های می روم که امروز رنگ نسپید بر موهایشان جلوه می کند و خاطر اتسی را مرور می کنند که در دنیای امروز ما کمی گنگ و مبهم اما رنگارنگ است. شهر فرنگی که زمانی نه چندان دور قسمتی از زندگی مردم کوچه و بازار بوده و «عمو شهر فرنگ» یکی از آدم های خوشبخت آن روزگار، با آن شعر معروفش که می گفت: «شهر، شهر فرنگه... از همه رنگه... بیا و تماشا کن». از شهر فرنگی که در شدم به میدانی مربع شکل رسیدم که زمانی به خسته خانه شهرت داشت و مردم برای رفع خستگی به اینجا می آمدند و بعد به مرور زمان در این مکان چایخانه و قهوه خانه شکل گرفته است. سمت چپ میدان، در ورودی قهوه خانه آزادگان را می بینم و وارد می شوم. راهرویی باریک که از در و دیوارش تاریخ آویزان است، اینجا بیشتر شبیه ماشین زمان است. فقط ماشین زمان که تورا با خود به گذشته های دور و نزدیک می برد. اینجا از آنتونی بوردین سرآشپز معروف آمریکایی قاب عکس می بینی تا محمدعلی فردین و آقا تختی و پوری وایلی، سقف پر از لوسترهای قدیمی است و بر تاقچه ها انواع سماور و قوری های چینی و چراغ های لاله گذاشته شده است.

شیرهایی که در چند طبقه کنار هم قرار گرفته انداز دیگر اشیایی است که در این سرابه چشم می خورد، این شیرها، از تزیینات علم های امام حسین (ع) است و بنا بر گفته حسن آقا فرزند دوم حاج میرزا، کار «حجت زین چنگ» در تهران است که طلاکوبی اش را شخصی به نام «شرافت» در اصفهان انجام داده است. اینجا یجز عتیقه؛ خوردنی های خوشمزه هم یافت می شود که از آن جمله می توان به گوشفیل دوغ معروف اشاره کرد، خوراکی مخصوص اصفهان که با لهجه شیر نشان دوغ گوشفیل می گویند. قهوه خانه حاج میرزا را از دست ندهید.

یکی از ویژگی های
منحصر به فرد بقعه شیخ
صافی الدین اردبیلی، قرار
گرفتن آثار بسیار زیبایی
هنری در رشته های مختلف
همچون کاشی کاری،
منبت کاری های ارزنده،
نقره کاری منحصر به فرد،
تذهیب، نقاشی و... کنار
یکدیگر است که در کنار هم
قرار گرفتن این آثار
شکوهی حیرت انگیز به
این مجموعه تاریخی شهر
اردبیل بخشیده است

دانسته اند. با توجه به نبود سفال در کنار سنگ افراشته، نمی توان نظر دقیقی در مورد زمان آن ها داد ولی آن ها میانه هزاره دوم تا میانه هزاره اول را بهترین دوره برای سنگ افراشته دانسته اند.

در منطقه شهربری چند دوره تاریخی از مس - سنگی، عصر آهن ۱ و عصر آهن ۲ مشخص شده است و بقایایی از قلعه ای متعلق به دوره آهن کشف شده است. در فصول بعدی حفاری، بقایایی از سفال، فرغ و نقوش انسانی دیده شد که باستان شناسان آن ها را نذوراتی متعلق به معبد می دانستند.

این محوطه تاریخی حدود ۴۰۰ هکتار مساحت دارد و از چهار بخش دژ نظامی، معبد، گورستان عصر آهن و قوشاتپه تشکیل شده است.

قدمت قلعه و معبد موجود در این منطقه به ۱۴۵۰ سال قبل از میلاد و قدمت قوشاتپه به حدود ۷ هزار سال قبل از میلاد مسیح می رسد. در نزدیکی این محوطه سنگواره هایی یافت می شوند که هر کدام دارای نقوشی یکتا و اخت از چهره انسان های بدون دهان هستند. در مجموع چیزی در حدود ۲۸۰ سنگواره باستانی در این منطقه به چشم می خورد که قدمت آن ها چیزی بیش از ۱۰ هزار سال بر آورد می شود. آن ها همچنین دارای ارتفاع های متفاوتی از ۷۰ سانتی متر تا ۳۶۰ سانتی متر هستند.

روی این سنگ ها طرح انسان هایی نقش بسته شده است که دست به سینه بوده و معمولاً دهان نیز ندارند. فقط یک مجسمه یافت شده که بر آن زنی دارای دهان حک شده است.

در مورد تاریخچه این محوطه بین باستان شناسان اختلاف نظرهایی وجود دارد. به عنوان مثال، برخی ادعا دارند که پیچیدگی های یک تمدن قدیمی در این محوطه وجود دارد یا برخی می گویند که این محوطه یک رصدخانه در دوران باستان بوده است. بعد از شهربری به پسل معلق مشگین شهر رفتم.

پلی در ارتفاع ۸۰ متری که تصویری خیره کننده از دریاچه و رشته کوه های سیلان را ارائه می دهد. می توان از این جاذبه خیره کننده به عنوان مقصدی بسیار محبوب برای علاقمندان به کوهنوردی نام برد، مکانی که می توان از طریق آن نظاره گر یکی از دلربا ترین چشم اندازها به آتشفشان خفته کوه های سیلان و دریاچه های تماشایی بود و لذت و هیجان این پل طولانی و شیشه ای را چاشنی سفر خود کرد.

قسمت عمده بازار اردبیل در تغییرات شهری در نیم قرن گذشته تخریب شد و ارتباط بعضی از بخش های آن با مرکز بازار از بین رفت. روشنایی داخل بازار از طریق روزنه های تعبیه شده در پوشش های گنبدی تامین می شود که در هنگام ظهر پرتوهای خورشید از میان روزنه ها به داخل بازار تابیده و نمایی زیبایی به معماری قدیمی بازار می دهد.

بعد از بازار اردبیل، نوبت موزه باستان شناسی این شهر بود. دیدار از اشیای تاریخی که به شکل مجموعه ای در موزه ها گردآوری می شوند می تواند بخشی از برنامه سفر دوستداران تاریخی و فرهنگ باشد. موزه باستان شناسی اردبیل با داشتن آثار و اشیای تاریخی همچون انواع ظروف سفالی و شیشه ای و سکه های طلا و نقره نمایانگر دوره های مختلف تاریخی و سیر تحول تاریخ و فرهنگ اردبیل است. در موزه باستان شناسی اردبیل علاوه بر نگهداری اشیای و اموال تاریخی - فرهنگی، طبقات و لایه های محوطه باستانی قلعه بونی یوغون شهرستان نیز طراحی و بازسازی شده است که بازدید کنندگان در قسمت شرقی طبقه زیرین می توانند از آن بازدید کنند.

بعد از موزه باستان شناسی به هتل بر گشتیم و پس از تحویل اتاق هایمان، سفر خود را به سمت سرعین ادامه دادیم.

روز چهارم را با صبحانه محلی و سپس آب گرم سرعین آغاز کردیم. چشمه های آب گرم خواص درمانی بی شماری دارند و به همین علت از دیرباز مورد توجه همگان بوده اند. شهر سرعین به علت وجود چشمه های آب گرم بسیار، بسیار معروف است و سالانه گردشگران زیادی را به خود جذب می کند.

پس از آب گرم، گشتی در شهر زدیم و از خوراکی های محلی همچون عسل و حلوائی سیاه سوغاتی خریدیم. حیف بود که تازدبیل برویم و مشگین شهر را بینیم. پس به سمت این شهر تاریخی حرکت کردیم و به روستای پیراز میان در مشگین شهر رفتیم.

این روستا میزبان یکی از زیباترین و عجیب ترین مکان های باستانی است. شهربری است. آنچه که در معرفی این منطقه بر بنری در ورودی این منطقه نوشته شده است نشان می دهد که قدمت آثار این محوطه به دوره اواخر فرغ، دوره نوسنگی و مس سنگی و نیز اوایل دوره آهن مربوط است. چارلز برنی، باستان شناس معروف دوره این منطقه را همزمان با هخامنشیان ولی خارج از محدوده دولت آنها می داند. اینگراهام و سامرز آن را به پیش از هزاره اول تعلق

دریافته اند. در ارتفاع ۸۰ متری که تصویری خیره کننده از دریاچه و رشته کوه های سیلان را ارائه می دهد. می توان از این جاذبه خیره کننده به عنوان مقصدی بسیار محبوب برای علاقمندان به کوهنوردی نام برد، مکانی که می توان از طریق آن نظاره گر یکی از دلربا ترین چشم اندازها به آتشفشان خفته کوه های سیلان و دریاچه های تماشایی بود و لذت و هیجان این پل طولانی و شیشه ای را چاشنی سفر خود کرد.



منبت کاری های ارزنده، نقره کاری منحصر به فرد، تذهیب و طلاکاری های ویژه، نقاشی و تنگ بری کنار یکدیگر است که در کنار هم قرار گرفتن این آثار شکوهی حیرت انگیز به این مجموعه تاریخی شهر اردبیل بخشیده است.

بعد از بازدید از بقعه شیخ صافی به رستورانی که در آن نزدیکی بود رفتم و ناهار پیچاق قیمه که غذای محلی اردبیلی و بسیار خوش طعم است صرف کردیم.

سسب به موزه مردم شناسی اردبیل رفتم که در حمامی قدیمی به نام آقانی قرار دارد. این محل علاوه بر نمایش ۳۳ نوع مجسمه با پوشش محلی مردم استان اردبیل، آثار و دست نوشته های مربوط به هویت تاریخی و فرهنگی این منطقه جمع آوری و عرضه شده است.

این حمام را شخصی به نام ظهیرالاسلام در دوره ایلخانی بنا کرد و ۲۰۰ سال بعد بخش هایی به آن اضافه شد. در زمان قاجار فردی به نام آقانی مؤمن الرعا یا این حمام را خریداری و بازسازی کرده و به همین جهت است که این حمام به نام هر دو نفر نامیده می شود. در سال ۱۳۷۸ خورشیدی این حمام توسط میراث فرهنگی خریداری شد و بعد از انجام بازسازی های لازم، به موزه مردم شناسی اردبیل تبدیل شد.

ورودی موزه مردم شناسی اردبیل از رختکن آغاز شده و به حوض سنگی هشت ضلعی با چهار بازو ختم می شود، رواق هشتی شکل، کفش کن، گنبد سربینه، گرمخانه، استخرهای آب گرم و استخر آب سرد از جمله قسمت های این حمام است که در حال حاضر در بخش های مختلف آن اشیای قدیمی به نمایش گذاشته شده است.

بعد از بازدید از موزه، عصر را در کنار دریاچه شورابیل طی کردیم. قدم زدن در دور دریاچه و یاد خنکی که می وزید بسیار لذت بخش بود. دوچرخه هایی هم در آن جا بود که اجاره داده می شد و می توانستیم با دوچرخه در دور دریاچه گشتی بزنیم که لذت بودن در آن مکان را دوچندان می کرد.

در باره علت نامگذاری شورابیل گفته می شود که شوری بسیار زیاد آب آن باعث این نام گذاری بوده اما امروزه آب شیرین به دریاچه اضافه شده، دیگر شورابیل تنها یک نام به یادگار مانده از گذشته به حساب می آید.

غروب آفتاب کم کم نوید رسیدن شب را به ما می داد که به اردبیل رسیدیم.

شب را در هتل استراحت، و خودمان را برای فردایی پر از گشت و گذار آماده کردیم.

صبح روز دوم سفرمان را با صبحانه اصیل اردبیل یعنی نان محلی، عسل و سرشیر آغاز کردیم و سپس به بقعه شیخ صافی اردبیلی رفتم.

این مکان ارزشمند و تاریخی در سال ۲۰۱۰ در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت رسیده است و با استفاده از معماری سنتی ایرانی و به کارگیری حداکثر فضای در دسترس ساخته شده و انواع قسمت ها از قبیل کتابخانه، مسجد، مدرسه، مخزن، بیمارستان، آشپزخانه، نانواایی و چندین دفتر اداری در آن جای داده شده است. علاوه بر مقبره شیخ صافی الدین اردبیلی، مقبره شاه اسماعیل اول (نخستین پادشاه صفویه) نیز در این مجموعه قرار دارد. بعد از مرگ شاه اسماعیل - اولین پادشاه سلسله صفویه - بازماندگان او تصمیم گرفتند پیکر شاه را در کنار قبر شیخ صافی الدین دفن کنند. بنابراین اولین بنای الحاقی به مقبره شیخ گنبدی کوچک بود که آرامگاه شاه اسماعیل به شمار می رفت. اما از آن به بعد، بقعه شیخ صافی کم کم تبدیل به مدفن جد سلطین صفویه شد و بعد از مدتی این بقعه به عنوان محلی برای نشر تفکر سیاسی و مذهبی صفوی شناخته شد. به طوری که بزرگان این سلسله در این مجموعه جمع می شدند و امور حکومت را کنترل می کردند. به همین دلیل این بقعه در دوره صفوی با عنایت ویژه شاهان این دوره به ۲۱ هزار متر گسترش یافت و در نهایت دقت تکمیل و تزیین شد تا جایی که صفویان این بقعه را بهشت موعود خداوندی می دانستند.

آرامگاه همسر شاه اسماعیل (مادر شاه طهماسب) و برخی از مشایخ و صاحب منصبان دوران صفوی و کشته شدگان جنگ چالدران نیز در این مکان قرار دارد.

یکی از ویژگی های منحصر به فرد بقعه شیخ صافی الدین اردبیلی، قرار گرفتن آثار بسیار زیبایی هنری در رشته های مختلف همچون عالی ترین نوع کاشی کاری معرق و مقرنس و گچ بری کتیبه های زیبا و نفیس و خط خطاطان بزرگ دوران حکومت صفوی،

غروب آفتاب کم کم نوید رسیدن شب را به ما می داد که به اردبیل رسیدیم.

صبح روز دوم سفرمان را با صبحانه اصیل اردبیل یعنی نان محلی، عسل و سرشیر آغاز کردیم و سپس به بقعه شیخ صافی اردبیلی رفتم.

این مکان ارزشمند و تاریخی در سال ۲۰۱۰ در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت رسیده است و با استفاده از معماری سنتی ایرانی و به کارگیری حداکثر فضای در دسترس ساخته شده و انواع قسمت ها از قبیل کتابخانه، مسجد، مدرسه، مخزن، بیمارستان، آشپزخانه، نانواایی و چندین دفتر اداری در آن جای داده شده است. علاوه بر مقبره شیخ صافی الدین اردبیلی، مقبره شاه اسماعیل اول (نخستین پادشاه صفویه) نیز در این مجموعه قرار دارد. بعد از مرگ شاه اسماعیل - اولین پادشاه سلسله صفویه - بازماندگان او تصمیم گرفتند پیکر شاه را در کنار قبر شیخ صافی الدین دفن کنند. بنابراین اولین بنای الحاقی به مقبره شیخ گنبدی کوچک بود که آرامگاه شاه اسماعیل به شمار می رفت. اما از آن به بعد، بقعه شیخ صافی کم کم تبدیل به مدفن جد سلطین صفویه شد و بعد از مدتی این بقعه به عنوان محلی برای نشر تفکر سیاسی و مذهبی صفوی شناخته شد. به طوری که بزرگان این سلسله در این مجموعه جمع می شدند و امور حکومت را کنترل می کردند. به همین دلیل این بقعه در دوره صفوی با عنایت ویژه شاهان این دوره به ۲۱ هزار متر گسترش یافت و در نهایت دقت تکمیل و تزیین شد تا جایی که صفویان این بقعه را بهشت موعود خداوندی می دانستند.

آرامگاه همسر شاه اسماعیل (مادر شاه طهماسب) و برخی از مشایخ و صاحب منصبان دوران صفوی و کشته شدگان جنگ چالدران نیز در این مکان قرار دارد.

یکی از ویژگی های منحصر به فرد بقعه شیخ صافی الدین اردبیلی، قرار گرفتن آثار بسیار زیبایی هنری در رشته های مختلف همچون عالی ترین نوع کاشی کاری معرق و مقرنس و گچ بری کتیبه های زیبا و نفیس و خط خطاطان بزرگ دوران حکومت صفوی،

غروب آفتاب کم کم نوید رسیدن شب را به ما می داد که به اردبیل رسیدیم.



بگاه دهدار، راهنمای گردشگری

دمدم های صبح بود که سفر خودمان را آغاز کردیم. مقصد شهری بود که در طول تاریخ نام های مختلفی را به خود دیده است: «دارالاشاد»، «دارالملک»، «دارالعرفان»، «دارالاسمان» و «شهر مقدس (آرتابول)» و امروزه اردبیل.

برای رسیدن به سرزمین چشمه های بهشتی یاهمان اردبیل دو راه پیش رویمان قرار داشت. مسیری که از استان زنجان می گذشت و مارا به اردبیل می رساند و مسیری که از استان گیلان می گذشت. مسیر اول مسافت کمتری داشت، اما مسیر دوم راهی علت سرسبزی ای که در این فصل داراست انتخاب کردیم.

پس از گذر از استان قزوین به استان گیلان رسیدیم. دریاچه سد متجیل و توربین های بادی ای که در این شهر برای تولید برق قرار دارد، یکی از اولین زیبایی های مسیر بود که ما نظاره گرش شدیم.

ناهار را در شهر رشت و در رستورانی که غذاهای محلی سرو می کرد صرف کردیم و پس از کمی استراحت ادامه مسیر دادیم.

تا چشم کار می کرد سرسبزی طبیعت بود و عطر شالی های تازه کاشته شده برنج که زیبایی بی نظیری داشت و روحمان را تازه می کرد. حوالی بعد از ظهر بود که به دریاچه استیل رسیدیم و نوید این رامی داد که به شهر ساحلی آستارا رسیده ایم.

این دریاچه منظره بسیار زیبایی دارد و از ویژگی های منحصر به فرد آن، شناور بودن ریشه درختان در آب است که همین باعث می شود درختان دریاچه هیچ گاه در یک جا و آرایش ثابت نباشند و همیشه منظره های متفاوت خلق کنند.

آستارا را به قصد رسیدن به اردبیل ترک کردیم. در مسیر و کنار جاده رستوران های کوچک محلی و دستفروشان بسیاری قرار داشت که خوراکی های محلی ای همچون آش دوغ، دوغ خنک، بلال کبابی و عسل طبیعی عرضه می کردند و لذت طعم خوراکی های ارگانیک در میان سرسبزی گردنه حیران تجربه ای لذت بخش و فراموش نشدنی بود...